

الگوسازی روابط ساختاری و پیش‌نیازی مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری - تفسیری (ISM)

نویسندگان: علی ردادی^۱، سیدعلی محمد نجفی فراشاه^۲، امیر آذر فر^۳
تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۴/۲۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۱، تابستان ۱۳۹۵

چکیده

مفهوم اقتصاد مقاومتی که در سالیان اخیر توسط مقام معظم رهبری به‌عنوان نجات‌بخش اقتصاد ملی معرفی شده است، خود مشتمل بر مفاهیم متعددی است. برای آنکه بتوان این مفاهیم را به دستور کار سیاستی تصمیم‌گیران اقتصادی در کشور تبدیل نمود، می‌بایست ابتدا روابط میان این مفاهیم و تقدم و تأخر ایشان روشن گردد تا مسیر پیاده‌سازی این مفاهیم به ترتیب معلوم شده و به برنامه تبدیل شود. بنابراین سؤال اصلی این مقاله آن است که: «الگوی روابط ساختاری و پیش‌نیازی مفاهیم اقتصاد مقاومتی چگونه است؟» بدین منظور از روش تحلیل مضمونی برای استخراج شبکه مضمون‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی از مجموعه بیانات مقام معظم رهبری و برای روشن شدن پیش‌نیازی‌ها و برقراری ارتباط میان این مفاهیم از روش الگوسازی ساختاری - تفسیری (ISM) به کمک نظرات خبرگان استفاده شد. یافته‌ها نشان‌گر آن است که اقتصاد دانش‌بنیان در بنیادی‌ترین لایه الگوی ساختاری - تفسیری اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد و مفاهیم مدیریت جهادی، خودکفایی، عدالت‌خواهی، درون‌زایی و استفاده از ظرفیت مردمی در لایه واسط قرار می‌گیرند تا در نهایت اقتصاد بدون نفت، تاب‌آوری اقتصادی، شفافیت و برون‌گرایی در منظومه اقتصاد مقاومتی حاصل گردند.

واژگان کلیدی:

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان، مدیریت جهادی، عدالت‌خواهی، درون‌زایی اقتصادی، اقتصاد بدون نفت، تاب‌آوری اقتصادی.

۱. دکتری مدیریت استراتژیک از دانشگاه تهران. raddadi@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام. sam.najafi@isu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام. azarfar@isu.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران از شکل‌گیری تا به امروز همواره با تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی مواجه بوده است. هرچند بسیاری از این مشکل‌ها به دلیل دشمنی کشورهای متخاصم یا اعمال تحریم‌ها و مسائلی از این دست بوده است، اما نبود تفکری یکپارچه و مبتنی بر ظرفیت‌های ایران اسلامی در مواجهه با مسائل و استفاده از ظرفیت‌های داخلی عاملی جدی در عدم پیشرفت اقتصادی کشور مبتنی بر برنامه‌های توسعه هست.

رهبر معظم انقلاب با مطرح کردن مفهوم «اقتصاد مقاومتی» در سال ۱۳۸۹ برای اولین بار، گفتمان جدیدی را در مدیریت اقتصادی کشور ایجاد کرده‌اند و تأکید داشته‌اند که این مفهوم اقتصاد کشور را از معضلات بسیاری رها خواهد کرد؛ زیرا دور زدن تحریم‌ها راه‌حلی موقتی است که نمی‌توان اقتصاد کشور را بر پایه آن بنا نهاد و تنها اتکا بر درون نظام است که راه‌حل کشور برای رها شدن از فشار تحریم‌ها برای همیشه است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۶/۱۶) هم‌چنین رهبر معظم انقلاب در سال ۹۵ نیز تحقق بخشیدن به این اقتصاد را جزو یکی از سه اولویت اول کشور برشمردند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱/۱)

مسئله‌ای که در این میان وجود دارد آن است که اقتصاد مقاومتی مفهومی تازه بنیاد در ادبیات علمی و اقتصادی است و تصور دقیق و نظام‌مندی از اجزا، ابعاد و مؤلفه‌های آن وجود ندارد. در نتیجه سیاست‌گذاران نمی‌دانند که برای دستیابی به اقتصاد مقاوم باید از کجا آغاز نمایند. به عبارت دیگر اگرچه این شناخت اجمالی از اقتصاد مقاومتی وجود دارد که مفاهیمی همچون: اقتدار، تاب‌آوری، دانش‌بنیانی، استقلال و غیره؛ در دل آن هست، اما ارتباط این مفاهیم با یکدیگر و تقدم و تأخر آن‌ها نسبت به همدیگر روشن نیست تا بتوان مسیر پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی را به درستی ترسیم نمود.

به دیگر سخن، تاکنون مدلی در خصوص اقتصاد مقاومتی ترسیم نشده است که ارتباط ساختاری میان مفاهیم گوناگون طرح‌شده را با یکدیگر تبیین نماید. هدف از نگارش این مقاله آن است تا با احصا مجموعه مفاهیم طرح‌شده ذیل اقتصاد مقاومتی، مدلی ساختاری را تدوین نماید که ارتباط میان این مفاهیم را ساختار بندی نموده و در نتیجه مسیر پیاده‌سازی این سیاست کلان را هموار نماید.

در صورتی که این روابط مدل‌سازی نشود، ممکن است سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌های اقتصادی با دو مشکل روبه‌رو شوند: اول آنکه به واسطه عدم توجه به تقدم و تأخر یا پیش‌نیازی در برنامه‌ریزی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، عملکردشان عقیم مانده و ریشه نگیرد. دوم آنکه به واسطه عدم کلان‌نگری در روابط میان مفاهیم بخشی از اجزای اقتصاد مقاومتی ناقص مانده و مورد توجه مناسب قرار نگیرد.



در این پژوهش پس از مرور تعاریف مجموعه مفاهیمی که حول محور اقتصاد مقاومتی طرح می‌شود، روش مدل‌سازی ساختاری متناسب با تعریف مسئله ارائه شده و بادستیابی به مدل ساختاری این مفاهیم، پیشنهادهای سیاستی استخراج گردیده است.

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- تعریف مفاهیم و واژگان

همان‌طور که در بخش مقدمه از مقاله آمد، هدف از انجام این پژوهش آن است که رابطه ساختاری میان این مفاهیم به دست آید؛ اما در ابتدا تعریف هر یک از این مفاهیم در ادامه ارائه خواهد شد.

۲-۱-۱- اقتصاد مقاومتی

خوانش مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی خوانشی متفاوت از اقتصاد ریاضتی و یا از این دست مفاهیم است که در ادبیات مرسوم اقتصادی تعریف می‌شود. مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا نکند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲)

«اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام کارهای تدافعی باشد؛ نه اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۱۸)

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶)

در مجموع می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد: (میرمعزی، ۱۳۹۱)

- در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند.
- تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می‌کند.

۲-۱-۲- تاب‌آوری

تاب‌آوری^۱ در یک نظام، به معنی آن است که نظام بتواند کارکردهای خود را باوجود



نوسانات محیطی انجام دهد (Martin, et.al, 2011) «تاب‌آوری در چهار دهه گذشته به نحو وسیعی توسط رشته‌های گوناگون علمی به کار گرفته شده است. علاوه بر روان‌شناسی، کاربرد این واژه را می‌توان در علوم سیاسی، مدیریت بازرگانی، جامعه‌شناسی، تاریخ، مدیریت و برنامه‌ریزی بحران، برنامه‌ریزی شهری و توسعه بین‌الملل یافت. این استفاده مشترک هرگز به معنای یکسانی مفهوم یا پشتوانه نظری مربوطه به آن نیست. کاربردهای گوناگون، روش‌ها و روش‌شناسی‌های متفاوتی دارد. کاربرد این مفهوم، به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸، در اقتصاد بیشتر شده است. به‌گونه‌ای که مجمع جهانی اقتصاد در پیوست سند گزارش مخاطرات جهانی ۲۰۱۳ خود، گزارش ویژه‌ای با عنوان ایجاد تاب‌آوری ملی در برابر مخاطره‌های جهانی منتشر کرده است.» (سیف، لو، ۱۳۹۳)

تاب‌آوری اقتصادی نشان می‌دهد که چگونه یک اقتصاد کوچک می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مناسب به یک سطح نسبتاً بالایی از تولید ناخالص داخلی (GDP) برسد؛ به عبارت دیگر، عملکرد اقتصادی نسبتاً خوب تعدادی از کشورهای کوچک علی‌رغم اندازه کوچک اقتصاد آن‌ها و آسیب‌پذیری ذاتی اقتصادشان؛ با تدوین سیاست‌های غلبه بر عواقب نامطلوب از آسیب‌پذیری اقتصادی ناشی شده است. (Briguglio, et.al, 2008)

۲-۱-۳- دانش‌بنیانی

اقتصاد دانش‌بنیان^۱، نظام اقتصادی است که در آن علم و دانش منشأ اصلی کسب ثروت برای جامعه باشد. در دو دهه‌ای که گذشت، به‌طور خاص در طول دهه گذشته، اقتصاددانان به‌صورت سیستماتیک شروع به نظریه‌پردازی، اندازه‌گیری و فرضیه‌آزمون در اقتصاد دانش‌بنیان کردند. این به‌صورت کاملاً مشهود در انواع شغل‌ها، ثروت‌های جدید، محصولات تازه و ارتباطات تجاری بدیع هویدا است. این‌ها همه نشئت گرفته از ویژگی‌های فراگیر دانش‌بنیان بودن است. (Harris, 2001)

در اقتصاد دانش‌بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات، عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت‌های اقتصادی است، فرایندهای خلق و ایجاد دانش، فراگیری و اکتساب آن، پخش و اشاعه و کاربرد عملی آن باید به‌دقت برنامه‌ریزی شود تا بازخورد بین فرایندهای مذکور، پیشرفت اقتصاد دانش‌بنیان را تضمین کند. (معمار نژاد، ۱۳۸۴)

۲-۱-۴- درون‌زایی

در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به دنبال بهبود فعالیت‌های اقتصادی، دنیا شاهد اوج‌گیری نظریه‌های تجارت خارجی و رشد اقتصادی شد که ریشه این بحث‌ها در حوزه



نظریه‌های تجارت خارجی از شاخص لئونتیف نشئت گرفته که طی آن مزیت‌ها را نه از نظر موقعیت طبیعی ایستا بلکه از نظر موقعیتی پویا تعریف می‌کند. نظریه‌های رشد اقتصادی هم که در این دوران دستخوش پیشرفت‌های قابل توجهی بود، خود را در قالبی جدید به نام «نظریه‌های رشد درون‌زا»^۱ معرفی می‌کند. در حقیقت مدل‌های رشد درون‌زا به سمت پیوند دادن نظریه تجارت خارجی و رشد اقتصادی حرکت می‌کنند. مدل‌های رشد اقتصاد درون‌زا به‌طور اتفاقی و تصادفی پدید نیامده‌اند بلکه نشئت گرفته از کارهای بی‌شمار اقتصاددانانی است که از زمان آدام اسمیت به بعد هستند و پیشرفت در مطالعات رشد درون‌زا بیانگر نارضایتی از آثار رشد سو لو بود که می‌توان به بازده فزاینده نسبت به مقیاس کالدور^۲، آموزش حین کار آرو^۳، نقش سرمایه انسانی اوزاوا^۴ اشاره کرد. (مرادی و همکاران، ۱۳۸۴)

نظریه‌های رشد درون‌زا بهترین راه هم‌گرایی و کاهش شکاف بین اقتصادهای ضعیف و قوی را روی آوردن به تولید علم و دانش می‌دانند. برای دستیابی به این مهم نه تنها تخصیص مداوم و فزاینده منابع به این بخش لازم است، بلکه زیرساخت‌های لازم برای بهره‌برداری از آن باید فراهم گردد و این وظیفه دولت است. (خلیلی عراقی و همکاران، ۱۳۸۴)

در اقتصاد درون‌زا خام‌فروشی و وابستگی درست تلقی نمی‌شود و پیشرفت اقتصادی با رویکردهای پیچیده و مفید که سبب پیشرفت علم و فناوری همراه با اشتغال‌زایی است در نظر گرفته می‌شود. اگرچه این به معنای عدم توجه به صنایع مادر همچون صنعت نفت و معدن نیست بلکه برعکس باید زنجیره تولید و تبدیل این دو کالا ارزشمند و استراتژیک را تکمیل کرد.

۲-۱-۵- اقتصاد بدون نفت^۵

از زمان پیدایش نفت در ایران وابستگی نظام اقتصادی ایران به فروش نفت خام سالانه افزایش پیدا کرده است. این نکته که موجب تبدیل شدن اقتصاد ایران به اقتصاد تک‌محصولی^۶ شده است. برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور بر مبنای صادرات غیرنفتی استوار گردیده است و همچنین بحث‌های موجود در ارتباط با حذف اقلام انرژی و منابع طبیعی از لیست صادرات کشور و بالاخره لزوم شکوفایی اقتصاد کشور در بخش صادرات غیرنفتی و عدم وابستگی کشور به اقتصاد

1. Endogenous Growth Models
2. Kaldor
3. Arrow
4. Uzawa
5. The non-oil economy
6. Single-product economy



تک‌محصولی، چنین به نظر می‌رسد که اقتصاد بدون نفت در حال سیاست‌گذاری در ایران هست. (نعمتی زاده و همکاران، ۱۳۸۳)

صادرات نفت در کشورهای نفت خیز تأمین‌کننده نیازهای ارزی کشور و تأمین‌کننده اصلی مخارج دولت است. لذا برنامه‌ریزی توسعه در این کشورها منوط به چنین درآمدهایی است و عدم تحقق درآمدهای از پیش تعیین‌شده می‌تواند قسمتی از برنامه‌های توسعه‌ای را تعطیل کند و در عمل اقتصاد را به نرخ رشد موردنظر نرساند. (کامفیروزی و همکاران، ۱۳۹۲) با توجه به اینکه در آینده نزدیک مزیت رقابتی کشور در زمینه‌ی صنعت نفت از دست خواهد رفت و میزان تولید نفت کفاف مصرف داخلی را نیز نخواهد داشت، پرداختن به موضوع اقتصاد بدون نفت و خروج از اقتصاد تک‌محصولی مهم و ضروری به نظر می‌رسد. (نعمتی زاده و همکاران، ۱۳۸۳)

۲-۱-۶- اقتصاد مردمی^۱

اقتصاد ملی به‌مثابه یک سیستم جامع (کل) است که خود متشکل از سه خرده سیستم اصلی (اقتصاد مردمی، خصوصی و دولتی) است که برهم تأثیرگذار و از هم تأثیرپذیرند و به عبارت بهتر، دارای روابط متقابل می‌باشند. در این صورت، اقتصاد مردمی به‌عنوان یک خرده سیستم اصلی از اقتصاد ملی، نقش مؤثر و بالاهمیتی در جامعیت بخشیدن به نظام اقتصادی و توسعه آن خواهد داشت، خصوصاً اگر شرکت‌های تعاونی^۲ به رسالت حوزه به‌منزله مراکز اقتصادی مردمی و مطمئن برای تأمین نیازهای اقتصادی توده‌ها عمل کنند و این نیازها را با شیوه‌های مناسب، ارزان، باکیفیت، سریع و آسان در دسترس همه قرار دهند. (عباسی، ۱۳۸۰)

یک ارزش مهم اقتصاد مردمی، سالم‌سازی و بهسازی محیط اقتصادی جامعه است. به‌موجب بهره‌گیری از مدیریت مشارکتی و اصل خودیاری، کانون‌های اقتصاد مردمی هستند که یک جریان بالنده اقتصاد سالم را تشکیل داده‌اند. جریانی که مبارزه و پیشگیری از آلودگی‌های اقتصادی را (مانند احتکار، گران‌فروشی، تورم، واسطه‌گری، دلال‌بازی و ...) در دستور کار خود قرار داده و به‌مثابه یک فلسفه و هدف بنیادی موردنظر دارد. (عباسی، ۱۳۷۹)

تجمع سرمایه‌های اندک برای تشکیل سرمایه کلان جهت خدمت به شکوفایی اقتصاد کشور، سمت و سوددهی به گردش سرمایه‌های مردم در راستای طرح‌ها و ابتکارات اقتصادی کلان کشور، گامی اساسی در بهبود شرایط اجتماعی و پیشرفت اقتصادی است که با اقتصاد مردمی محقق می‌شود. فرآیند توسعه و گسترش اقتصاد

1. Public economy

2. Cooperation



مردمی در زمینه‌های: ایجاد اشتغال هر چه بیشتر، انجام فعالیت‌ها و خدمات اقتصادی ارزان و با صرفه‌تر، رشد استعدادها و خلاقیت اعضا، توسعه روابط عادلانه در فعالیت‌های اقتصادی، توجه به رفع نیازهای واقعی محلی، ایجاد روحیه سازندگی و نه مصرف‌گرایی، ارتقاء درآمدهای فردی و گروهی و بالطبع فراهم‌سازی شرایط زیست‌انسانی، چشم‌اندازی روشن و امیدوارکننده در پیش‌رو می‌گشاید. (محمدی، ۱۳۷۳)

۲-۱-۷- اقتصاد برون‌گرا^۱

ایجاد اشتغال برای خیل بیکاران جامعه اعم از دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف در سطوح آموزش عالی تا افراد کم‌تخصص و احیاناً بی‌سواد از ضروریات امروز جوامع مختلف است. رقم بیکاری رو به افزایش است چراکه از یک طرف سیاست دولت‌ها در جهت کاهش تصدی‌گری دولت در عرصه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصادی است و از طرف دیگر بخش‌های غیردولتی از حمایت و پشتیبانی‌های مادی و معنوی برخوردار نیست و کسب و کارهای کوچک و بزرگ با مشکلات زیادی از جمله، عدم سرمایه اولیه، عدم برخورداری از نیروی انسانی آموزش‌دیده و باتجربه، عدم ایجاد فرهنگ کارآفرینی و درجا زدن بین سنت‌های گذشته کارهای اقتصادی و گذار به مرحله صنعتی و در مجموع ساختمان‌نشدن اقتصاد در بخش غیردولتی مواجه است. در این شرایط فعالیت‌های کارآفرینانه، می‌تواند به ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی منجر شود. این فرصت‌های جدید اقتصادی زمانی محقق می‌شوند که اقتصاد ایستا نباشد و در اقتصاد ایستا کارآفرینی به نابدی محکوم است. اقتصادی پویاست که می‌تواند تعادل در بازار جهانی و رونق کسب و کار را باعث شود. نگاه به اقتصاد پویا و تعادل حاصل از آن همان تعریف اقتصاد برون‌گراست. (هزارجریبی، ۱۳۸۴) اقتصاد برون‌گرا با اقتصاد باز دارای تفاوت‌های مشخصی هست و در اقتصاد برون‌گرا اکثر توجه به پویایی و روش‌های سودآوری پروژه‌ها معطوف است. (Xiang, 2004)

۲-۱-۸- عدالت محوری^۲

عدالت محوری در اقتصاد برقراری پیشرفت گسترده و فراگیر را در نظر دارد، به گونه‌ای که رفتار اقتصادی موجب تخریب اصول، جامعه و محیط‌زیست نگردد. با رعایت موازین عدالت در زمینه‌ی اقتصادی، رقابت‌های خشن، بی‌مهاری و بی‌حدومرزی که در اقتصاد بازار و اقتصاد آزاد مشاهده می‌شود، شکل نمی‌یابد و بهره‌برداری حریصانه و سودمحور از محیط‌زیست نفی می‌گردد و شکاف طبقاتی و فاصله‌ی ناعادلانه میان دهک‌های مختلف جامعه ایجاد نمی‌شود. باز بین بردن و کنترل شکاف طبقاتی در

1. Outward-oriented economy

2. Justice-orientation



میان گروه‌های مختلف اجتماعی، فاصله میان سطح دسترسی به فرصت‌های برابر برای برخورداری از مواهب طبیعی میان مردم در یک نسل و نسل‌های مختلف در کشور از میان می‌رود. عدالت محوری در فعالیت‌های اقتصادی رعایت تعادل‌های طبقاتی، منطقه‌ای، قومیتی و بین نسلی است که ضمن پرهیز از رقابت‌های ناسالم و بی‌مه‌ار رایج در اقتصاد بازار آزاد انجام می‌شود. (شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹) از سوی دیگر، توزیع عادلانه درآمد نقش مهمی در ایجاد رشد اقتصادی بلندمدت دارد که می‌تواند در رفاه اجتماعی^۱ و اقتصاد عدالت محور در جامعه نقش ایفا کند. (Talebi, et.al, 2014)

۲-۱-۹- خودکفایی^۲

مفهوم خودکفایی اقتصادی را می‌توان با استقلال اقتصادی^۳ یکسان در نظر گرفت. فهم اقتصاد خودکفا با استفاده از مثال بخش کشاورزی مناسب‌تر خواهد بود. خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی و داشتن مزارع خودکفا در تولیدات کشاورزی از عناوین مهم اقتصاد خودکفاست. (بری، ۱۳۸۷) خودکفایی در مقابل وابستگی^۴ اقتصادی قرار می‌گیرد. کاهش وابستگی یعنی صحبت از کاهش واردات، کاهش باید از کالاهای مصرفی و واسطه‌ای شروع شود؛ زیرا در کشوری که سازنده کالاهای سرمایه‌ای نیست برای رشد و توسعه اقتصادی کشور، به واردات کالاهای سرمایه‌ای نیاز خواهد بود و نتیجتاً در کاهش واردات، ورود کالاهای سرمایه‌ای از اولویت بیشتری برخوردار است؛ اما در گزینش کالاهای سرمایه‌ای باید مراقبت کرد؛ نوعی کالاهای سرمایه‌ای وارد شود که قابلیت بومی شدن و تلفیق و ادغام در فناوری مناسب داخلی را دارا باشد زیرا در غیر این صورت واردات کالاهای سرمایه‌ای متضمن وابستگی عمیق‌تری است که رهایی از آن نیز مشکل‌تر خواهد بود. راه‌حل اساسی این عدم وابستگی انتخاب و ایجاد صنایعی مستقل و ملی است که در جهت خودکفائی، استقلال اقتصادی کشور تلاش می‌کند. این صنایع بایستی در ارتباط با بخش کشاورزی بوده و بتواند نیازهای واقعی اکثریت افراد جامعه را تأمین کند. (امینی، ۱۳۶۵)

۲-۱-۱۰- مدیریت جهادی

مدیریت جهادی را نوعی روحیه و فرهنگ مبارزه‌جویی و کنشگری آگاهانه، معنا و تفسیر می‌کنند؛ معنایی که در فرهنگ اسلامی-ملی ما مصداق‌های فراوانی برای آن می‌توان برشمرد. (سلطانی، ۱۳۹۳) جهاد به‌عنوان یک پدیده که بار فرهنگی در مکتب اسلام دارد، آنگاه که به‌عنوان صفت نوع خاصی از سازمان به کار می‌رود، فرهنگ‌سازمانی

1. social welfare
2. Self-sufficiency
3. The economic independence
4. Dependence



را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرهنگ که می‌توان آن را فرهنگ جهادی نامید، نیز به‌نوبه خود تأثیر فراوانی بر مدیریت آن سازمان دارد. (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۱) «مدیریت جهادی همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت است.» (هزاوئی و همکاران، ۱۳۹۳)

۲-۱-۱۱- شفافیت

شفافیت؛ افزایش جریان به‌موقع و قابل اعتماد اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توصیف می‌شود. (Vishwanath, et.al, 2001) نامنی اقتصادی به شرایط ناشی از فقدان شفافیت اقتصادی اطلاق می‌شود. (سیف، ۱۳۸۹) تخصیص بهینه سرمایه برای شروع فعالیت‌های اقتصادی زمانی اتفاق می‌افتد که فعالان بازار اطلاعات معتبر، قابل اتکا، بی‌طرف و منصفانه‌ای در خصوص آثار اقتصادی معاملات در اختیار داشته باشند. اطلاعات زیاد منجر به افزایش اطمینان نمی‌گردد، بلکه این شفافیت اطلاعات است که عدم اطمینان را کاهش می‌دهد. شفافیت برای اقتصاد نیز ضروری است، زیرا باعث بهبود تخصیص منابع می‌گردد و به‌طور مستقیم با کارایی و رشد اقتصادی سروکار دارد. نقصان اطلاعات شفاف در بازار موجب افزایش هزینه معاملات و شکست بازار خواهد شد. (بولو و همکاران، ۱۳۹۲)

۲-۲- پیشینه پژوهش

به‌طور کلی می‌توان مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده حول موضوع اقتصاد مقاومتی را به‌صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. پژوهش‌هایی که در آن سعی شده است نظامی مفهومی از اقتصاد مقاومتی ارائه شود. در این دسته از مقالات سعی شده است تا تفسیری روشن از مفهوم اقتصاد مقاومتی ارائه شود.
۲. دسته دوم پژوهش‌ها به بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در عرصه‌ای اجتماعی پرداخته است. در این دسته از پژوهش‌ها نقش و تأثیر اقتصاد مقاومتی بر یک پدیده اجتماعی همچون نظام اقتصاد سیاسی جهان مورد تحلیل قرار گرفته است.
۳. دسته سوم از پژوهش‌ها به بررسی ابزارها و الزامات پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در کشور پرداخته است. عموماً در این دسته از پژوهش‌ها به معرفی یک ابزار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور پرداخته شده است.

۲-۲-۱- دسته اول: مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی

همان‌طور که اشاره شد در این دسته از پژوهش‌ها بیشتر به بسط مفهومی اقتصاد



مقاومتی پرداخته شده است و سعی شده تبیینی از اقتصاد مقاومتی ارائه گردد. سیف در پژوهش نزدیک‌ترین مفهوم برای توضیح اقتصاد مقاومتی را فنریت اقتصادی عنوان می‌کند و در توضیح اقتصاد مقاومتی، اقتصادی را مقاوم می‌داند که در صورت کارشکنی دشمن از رشد باز نایستاده و کمترین آسیب را ببیند. وی بیان می‌کند که برای دستیابی اقتصادی که بتواند در مقابل دشمنان از خود دفاع کرده و مقاوم بماند باید هم‌زمان به چهار مؤلفه‌ی رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی توجه شود. (سیف، ۱۳۹۱) هم‌چنین سیف لو در تحقیق دیگری تاب‌آوری را مفهومی محوری برای توضیح اقتصاد مقاومتی دانسته و اقتصاد مقاومتی را تلاشی فعالانه برای تاب آور کردن اقتصاد قلمداد کرده است. (سیف لو، ۱۳۹۳)

میرمعزی نیز در پژوهش دیگری مفهوم اقتصاد مقاومتی را از منظر واضح آن یعنی مقام معظم رهبری تجزیه و تحلیل کرده است و سعی کرده است تا با بررسی کلیه بیانات مرتبط مقام معظم رهبری با موضوع اقتصاد مقاومتی شبکه مفهومی را کشف کند. وی عقیده دارد اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از اقتصاد اسلامی است که در وضعیتی که دشمن حمله اقتصادی همه‌جانبه‌ای علیه حکومت اسلامی را رهبری می‌کند، به وجود می‌آید. در این حالت باید روحیه جهاد در مردم و مدیریت جهادی در مسئولین غالب شده تا بتوان تهدیدها به فرصت‌ها بدل کرد. (میرمعزی، ۱۳۹۲) در خصوص فشارهای وارده و از سوی دشمنان نظام اسلامی عباس‌آباد عربی و همکاران بیان می‌کنند یکی از راه‌کارهای مقابله با تهدیدات اقتصادی چابک‌سازی سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کشور است. (عباس‌آباد عربی و همکاران، ۱۳۹۳) در پژوهش دیگری ترابزاده و همکاران بیان می‌کنند یکی از تهدیداتی که از جانب دشمن ایران اسلامی را تهدید می‌کند، تحریم‌ها هستند که در الگوی اقتصاد مقاومتی علاوه بر آن که نباید به‌منزله تهدید تلقی شوند بلکه باید به‌منزله فرصت نگاه شوند چراکه زیر فشار آن‌ها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آن‌ها را تسریع کرد. (ترابزاده و همکاران، ۱۳۹۲) به نظر می‌رسد با توجه به مقالات مرور شده در این زمینه اقتصاد مقاومتی نوعی از اقتصاد است که در زمان جنگ اقتصادی معنا می‌یابد.

۲-۲-۲- دسته دوم: بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در پدیده‌های اجتماعی

درواقع در این دسته بیان می‌کند که اگر اقتصاد مقاومتی به منصفه ظهور رسیده و اجرایی گردد چه تأثیراتی را می‌تواند بر جامعه ایرانی و ارتباطات ایران و جهان بگذارد. در همین رابطه نوری ساری با روش تحلیل هزینه-فایده به تحلیل حفظ یا قطع روابط



اقتصادی ایران و انگلستان پرداخته است و نقش گفتمان اقتصاد مقاومتی را در این موضوع بررسی کرده است. وی تشریح می‌کند که در شرایط کنونی و به دلیل فشارهای بی‌حد و حصر کشور انگلستان و هزینه‌های زیاد ناشی از مبادلات اقتصادی تنها راه برون‌رفت و حذف این هزینه‌ها تکیه بر اقتصاد مقاومتی است. از این رو کشور ایران باید علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی در نوع روابط خود با لندن تجدیدنظر نماید. (نوری ساری، ۱۳۹۲)؛ اما اگر روابط ایران و لندن کمرنگ گردد می‌تواند ایران را دچار مشکلات فراوانی نماید چراکه سایر کشورها و متحدان لندن نیز تحریم‌هایی را علیه ایران در نظر خواهند گرفت؛ یعنی مسئله‌ای که ایران به صورت کلان‌تر با آن روبه‌روست چگونگی برخورد ایران با اقتصاد جهانی است. آجیلی در پژوهشی بیان می‌کند که تکیه بر اقتصاد مقاومتی باید تعامل ایران با سایر کشورها را در موضع قدرت قرار داده و برای ایجاد چنین موضعی ایران باید در هم‌تنیدگی بیشتری با اقتصاد جهان داشته باشد تا موضع قدرت خود را تثبیت کند. وی بیان می‌کند ایران برای رسیدن به چنین جایگاهی باید بر نقاط قوت و مزیت‌های نسبی خود تکیه داشته باشد. (آجیلی، ۱۳۹۲) بدین منظور به نظر می‌رسد اقتصاد ایران نیازمند یک تغییر درونی بوده که لازمه چنین تغییری مدیریت جهادی در بخش اقتصادی است که محوریت آن با اجرایی سازی مفاهیم اقتصاد مقاومتی است. (هزاوئی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۲-۳- دسته سوم: پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی و ابزارهای آن

مسئله اجرا و پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی نیازمند نقشه‌راه و ابزارهایی جهت تحقق این مکتب اقتصادی است اما تا به حال پژوهش‌های زیادی در این مورد انجام نشده است. سیف در پژوهشی بیان می‌کند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی سه گام اساسی باید برداشته شود. گام اول توانمندسازی درونی اقتصاد خواهد بود که منجر به عدالت اقتصادی، سلامت و امنیت اقتصادی خواهد شد. در گام دوم پایدارسازی ذاتی اقتصاد صورت خواهد پذیرفت که منجر به خوداتکایی اقتصاد، فنریت و مردمی شدن اقتصاد خواهد شد و در نهایت و در گام سوم اقتصاد مقاومتی الهام‌بخش اقتصاد دیگر دول منطقه خواهد بود که از نشانه‌های آن دانش‌بنیانی، رشد پویا و نفوذ اقتصادی خواهد بود. (سیف، ۱۳۹۲)

تهدیدات زیادی می‌تواند رودرروی یک نظام اقتصادی ایجاد شود. یکی از تهدیدات جدی در عرصه اقتصاد، تهدید نوسانات بازار ارز خواهد بود که می‌تواند هزینه‌های زیادی را برای کشور ایجاد کند. یکی از راه کارهای کم کردن هزینه‌های احتمالی در چهار چوب مفهوم و رویکرد اقتصاد مقاومتی ارتقا و رقابت‌پذیری کالاها و خدمات تولیدی در اقتصاد



کشور و هم‌چنین تنوع‌بخشی به محصولات صادراتی غیرنفتی است. (سیف و همکاران، ۱۳۹۲) یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق اقتصاد مقاومتی می‌تواند اجرایی سازی اقتصاد بدون نفت باشد. (کامفیروزی و همکاران، ۱۳۹۲) هم‌چنین (ابوالحسنی و همکاران، ۱۳۹۲) و (دیانتی، ۱۳۹۳) نیز ابزارهایی دیگر را برای تحقق اقتصاد مقاومتی معرفی کرده و سعی کرده‌اند تا کارایی این ابزارها را در فضای اقتصاد ایران توجیه نمایند.

نویسندگان(سال)	عنوان	کلمات کلیدی	روش
دسته اول: مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی			
سیف(۱۳۹۱)	الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران	فتریت اقتصادی، ریسک، الگوی اقتصاد مقاومتی، راهبردهای فتریت اقتصادی	تحلیل مضمون
تراب زاده جهرمی، سجادیه، سمیعی نسب(۱۳۹۲)	بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خامنه‌ای مدظله	اقتصاد مقاومتی، تحریم اقتصادی، اقتصاد ملی	داده‌بنیاد
میرمعزی(۱۳۹۱)	اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)	جهاد اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، نظام اقتصادی اسلام	تحلیل مضمون
عباس‌آباد عربی، بابائیان پور، فکری(۱۳۹۳)	مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها	چابکی، اقتصاد مقاومتی چابک، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	تحلیل محتوا
سیف‌لو(۱۳۹۲)	مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی	آسیب، تاب‌آوری، رهبری	تحلیل گفتمان
دسته دوم: بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در پدیده‌های اجتماعی			
نوری ساری(۱۳۹۲)	تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی	انگلستان، ایران، تحلیل هزینه فایده، اقتصاد مقاومتی	تحلیل گفتمان
آجیلی(۱۳۹۲)	اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی	وابستگی متقابل پیچیده، جهانی‌شدن اقتصاد	تحلیل محتوا
هزاوئی و زیرکی حیدری(۱۳۹۳)	اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران	اقتصاد سیاسی، دولت، توسعه، مدیریت جهادی،	تحلیل محتوا
دسته سوم: پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی و ابزارهای آن			
سیف(۱۳۹۱)	مقدمه‌ای بر نقشه‌راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران	فتریت اقتصادی، توانمندسازی درونی، پایدارسازی ذاتی، الهام‌بخش جهانی، اقتصاد ریاضتی	فرا تحلیل و تحلیل محتوا



مدل‌سازی آماری	نظام ارزی، اقتصاد ایران	نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی	سیف، خوش‌کلام خسروشاهی (۱۳۹۲)
داده‌بنیاد-دیماثل خاکستری	اقتصاد بدون نفت، اقتصاد مقاومتی	بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی	کامفیروزی، بنیادی نائینی، موسوی لقمان (۱۳۹۲)
فقهی	اوراق دوسویه ارزی، ریسک ارزی، پوشش ریسک	«اوراق دوسویه ارزی»، رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی	ابوالحسنی و بهاروندی (۱۳۹۲)
تاریخی	حسابداری مدیریت، تولید ملی، کارت امتیازی متوازن، کاپزن، کنترل کیفیت جامع، هزینه‌یابی هدف	حسابداری مدیریت، ابزاری کارآمد در خدمت اقتصاد مقاومتی	دیانتی دیلمی (۱۳۹۴)

آنچه در میان پژوهش‌های مختلف بر شمرده، مغفول مانده است آن است که هیچ‌یک از پژوهش‌ها توجهی به اجزا و ابعاد اقتصاد مقاومتی نداشته و پویایی‌های میان این اجزا را در نظر نگرفته‌اند. به طوری که در پژوهش‌های دسته سوم یا با مفهوم کلی و تجزیه‌شده‌ای از اقتصاد مقاومتی روبه‌رو هستیم و یا آن که صرفاً یک جزء در کانون توجه قرار گرفته و دیگر اجزا و ابعاد مغفول واقع شده‌اند.

در پژوهش حاضر سعی شده است تا مؤلفه‌های مختلفی که اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهند در کنار یکدیگر دیده شده و روابط میان ایشان مدل‌سازی گردد تا بتوان فهم بهتر و جامع‌تری را از اقتصاد مقاومتی ایجاد کرد.

۳- روش تحقیق

در این مقاله و به منظور مدل‌سازی ساختاری گونه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی از روش «مدل‌سازی ساختاری تفسیری» استفاده شده است. این روش در واقع کاربردی سیستمی از نشانه‌گذاری نظریه‌گراف‌ها برای مدل‌سازی‌های الگوهای پیچیده هست. (malone, 1975) در واقع این روش مدل‌سازی می‌تواند سه نوع از متغیرها را که در بیشتر روش‌های کمی امکان تحلیل آن‌ها به صورت هم‌زمان وجود ندارد را تحلیل نماید که عبارت‌اند از: (Bolanos, et.al, 2005)

۱. متغیرهای مرتبط با تاریخ، حافظه و تجربه
۲. متغیرهای مرتبط با انتظارات و پیش‌بینی‌ها
۳. متغیرهای مرتبط با نیازها، اهداف و ارزش‌ها

از آنجاکه موضوعات اجتماعی اغلب موضوعاتی بدرفتار، پیچیده و پویا هستند نیاز است تا روش‌شناسی متناسب با این مسائل انتخاب شود. (Bolanos, et.al, 2005) این



رویکرد افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد تا روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت بدرفتار و پویا تحلیل نماید. (آذر و همکاران، ۱۳۹۲) برای انجام مدل‌سازی به روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری باید از مراحل زیر تبعیت نمود: (Siddiqui, 2016)

۱. شناسایی متغیرهای مرتبط با مسئله در یک زمینه مشخص اجتماعی
۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری تا بتوان متغیرهای مسئله را به صورت زوجی بررسی کرد.
۳. تشکیل ماتریس دسترسی اولیه: در این مرحله ماتریس خودتعاملی به ماتریسی بولی تبدیل می‌شود.
۴. تشکیل ماتریس دسترسی نهایی: تا بتوان لایه‌های مختلف مدل را از روی آن تشخیص داده و ضریب وابستگی و نفوذ هر متغیر را بررسی نمود.
۵. بخش‌بندی سطح: در این مرحله ماتریس دسترسی نهایی به سطوح مختلفی تقسیم می‌شود. معمولاً در سیستم‌های بزرگ روابط شبکه‌ای بین عناصر سیستم بر پیچیدگی آن می‌افزاید که با سطح‌بندی مدل می‌توان این پیچیدگی را کاهش داد.
۶. رسم مدل: در این مرحله با توجه به سطح‌بندی متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی مدل نهایی متغیرها رسم می‌شود.
۷. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC): در این مرحله متغیرها در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر نمایش داد:

جدول ۱- انواع متغیرهای جدول MICMAC

وابستگی قوی	وابستگی ضعیف	
نفوذ قوی	پیوندی	نفوذ قوی
نفوذ ضعیف	وابسته	خودمختار

در این پژوهش برای پیاده‌سازی گام اول این پژوهش (شناسایی متغیرهای مرتبط با مسئله) یک پژوهش از نوع تحلیل مضمونی^۱ صورت گرفته است. در تعریفی خلاصه می‌توان تحلیل مضمونی را به این صورت تعریف کرد: تحلیل مضمونی «روش شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها یا مضامین داده‌ها است.» این روش از روش‌های پایه‌ای در تحلیل داده‌ها شمرده می‌شود و نقطه قوت آن است که محدودیت‌های مفروضات روش‌هایی همانند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۲ و تحلیل گفتمان انتقادی^۳ را ندارد. (Braun, et.al, 2006)

1. Thematic Analysis
2. Grounded Theory
3. Critical Discourse Analysis



گام‌های انجام یک تحلیل مضمونی به‌طور خلاصه به شرح زیر است^۱: (Braun, et.al, 2006)

۱. آشنایی با داده‌ها: پیاده‌سازی داده‌ها، مطالعه مکرر و نگارش برداشت‌های اولیه
 ۲. تدوین کدهای اولیه: کدگذاری موارد جالب توجه به‌صورت سیستمی در کل متن و انتساب بخش‌های مرتبط از متن به هر یک از کدها.
 ۳. جستجو برای مضامین: تلفیق کدهای مختلف برای دستیابی به کدهای احتمالی و جمع‌آوری داده‌های مرتبط با آن مضمون ذیل هر یک.
 ۴. بازبینی مضمون‌ها: کنترل مضمون‌ها با کدهای استخراج‌شده و مجموعه داده‌ها که منتج به ترسیم «نقشه مضمونی» تحلیل می‌شود.
 ۵. تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها: تحلیل مکرر به‌منظور تحدید ویژگی‌های هر مضمون و مجموعه مضامین. این مرحله به تعریف روشن و نام‌گذاری دقیق هر مضمون منجر می‌شود.
 ۶. تدوین گزارش: آخرین مرحله تحلیل است که در آن مواردی از مضمون‌ها را انتخاب کرده و مورد تحلیل قرار داده و ارتباط آن‌ها با سؤالات و پیشینه پژوهش نشان داده می‌شود که در نتیجه گزارشی علمی از تحلیل حاصل شده است.
- برای تدوین این مقاله، ابتدا مجموعه بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۸۹ تاکنون که به نحوی با مفهوم اقتصاد مقاومتی ارتباط می‌یافت، مورد تحلیل و کدگذاری اولیه قرار گرفت. سپس با بازبینی مضمون‌ها و رفع همپوشانی‌ها، نهایتاً مجموعه ۱۰ مضمون به دست آمد. انجام این مرحله برای آن بود که بتوان تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی و مفاهیم طرح‌شده توسط مقام معظم رهبری در آن حوزه داشت و از تعریف بومی و دیدگاه ایشان به مسئله مورد بررسی نگریست.
- در گام بعدی پژوهش این مضمون‌ها به‌عنوان متغیرهای مرتبط با مسئله وارد روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری گردیدند. به‌عبارت‌دیگر این ۱۰ مضمون به‌عنوان گویه‌های پرسشنامه استاندارد مدل‌سازی ساختاری تفسیری تلقی گردیدند.
- برای جمع‌آوری داده‌ها لازم برای مدل‌سازی ساختاری-تفسیری ۳۰ پرسشنامه بین خبرگان این حوزه پخش شد که از بین آن‌ها ۲۰ پرسشنامه بازگشت داده شد که مطابق استانداردهای ISM تنها ۱۴ پرسشنامه قابلیت تحلیل را دارا بودند. خبرگان انتخاب‌شده دارای شرایط ذیل بودند:

۱. البته در منابع قدیمی‌تر مانند (Aronson, 1994) تقدم و تأخر این مراحل اندکی متفاوت است و ترسیم مضامین (الگوها) بر کدگذاری مقدم شده است. در این مقاله به‌تناسب آنچه در مورد کلیات تحلیل کیفی در (Bell & Bryman, 2007) در مورد تقدم کدگذاری بر تشکیل الگوها در تحلیل کیفی آمده است، تقسیم‌بندی موجود در متن ترجیح داده شده است.



- دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترای در رشته اقتصاد بوده‌اند.
 - آشنایی نظری کافی با مفهوم اقتصاد مقاومتی داشته‌اند.
 - از قبل بیانات مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی را مطالعه نموده بودند.
- برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده شد که در آن مجموعه متغیرهای مرتبط با مسئله در یک ماتریس قرار می‌گیرند و برای پر کردن آن از راهنمای ذیل استفاده می‌شود:

جدول ۲- راهنمای تکمیل پرسشنامه ISM

معنا	نماد
عامل سطر (i) می‌تواند زمینه‌ساز عامل ستون (j) باشد.	V
عامل ستون (j) می‌تواند زمینه‌ساز عامل سطر (i) باشد.	A
بین عامل سطر (i) و ستون (j) ارتباط دوطرفه وجود دارد.	X
هیچ نوع ارتباطی میان این دو عنصر (i و j) وجود ندارد.	O

پس از یکپارچه‌سازی پرسشنامه‌ها در نهایت ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها به صورت ذیل به دست آمد. سپس برای تبدیل این ماتریس به ماتریس دسترسی اولیه از قاعده ذیل استفاده شد: (Faisal et al, 2006؛ Gorane and Kant, 2013)

- اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد V گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد صفر می‌گیرد.
- اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد A گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد ۱ می‌گیرد.
- اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد X گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد ۱ می‌گیرد.
- اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد O گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد صفر می‌گیرد.

۴- یافته‌های مقاله

با تحلیل مضمون‌های ادبیات طرح‌شده توسط مقام معظم رهبری از سال ۱۳۸۹ تاکنون، در نهایت ده مضمون به دست آمد که شبکه مضمونی اقتصاد مقاومتی را در ادبیات ایشان تشکیل می‌دهند. این مفاهیم عبارت‌اند از: تاب‌آوری، دانش‌بنیانی، درون‌زایی، عدم اتکا به نفت، مردمی بودن اقتصاد، برون‌گرایی، عدالت‌محوری، خودکفایی، مدیریت جهادی، شفافیت.



در نهایت ماتریس دسترسی اولیه به صورت ذیل به دست آمد:

جدول ۳- ماتریس دسترسی اولیه

معیار: تأثیر در تحقق		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	تاب‌آوری	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰
۲	دانش‌بنیانی	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰
۳	درون‌زایی	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰
۴	عدم اتکا به نفت	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
۵	مردمی	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۶	برون‌گرایی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷	عدالت‌محوری	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱
۸	خودکفایی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰
۹	مدیریت جهادی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰
۱۰	شفافیت	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰

پس از اینکه ماتریس اولیه دستیابی به دست آمد باید از وجود سازگاری درونی آن اطمینان حاصل گردد. این اطمینان باید توسط پژوهشگران حاصل شود و نمی‌توان انتظار داشت که مشارکت‌کنندگان به صورت دقیق این قاعده را رعایت نمایند. وارفیلد در مقاله خود (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که با استفاده از محاسبات ریاضی می‌توان تراوایی^۱ را در ماتریس جاری ساخت. منظور از قاعده تراوایی آن است که اگر متغیر الف بر روی متغیر ب تأثیر می‌گذارد و از طرفی متغیر ب بر روی متغیر ج اثرگذار است، در نتیجه می‌بایست متغیر الف بر روی متغیر ج نیز اثرگذار باشد. لذا اگر در ماتریس دستیابی این روابط برقرار نبود می‌بایست از طریق محاسبات ریاضی و یا با تغییر دستی ماتریس دستیابی اولیه، ماتریس اصلاح‌شده و روابط مورد نظر جایگزین شوند. (Warfield, 1974) با رعایت قاعده فوق ماتریس دستیابی نهایی به صورت ذیل به دست می‌آید:

جدول ۴- ماتریس دسترسی نهایی

معیار: تأثیر در تحقق		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	تاب‌آوری	*۱	۰	*۱	۱	۱	۰	*۱	۱	۱	*۱
۲	دانش‌بنیانی	۱	*۱	۱	۱	۱	*۱	۱	۱	*۱	*۱
۳	درون‌زایی	۱	۱	*۱	*۱	۱	*۱	۱	۱	۱	*۱
۴	عدم اتکا به نفت	۱	*۱	۱	*۱	*۱	*۱	*۱	۱	*۱	۰

۱. قاعده تراوایی یا تراوایی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی) Transitivity



۵	مردمی	۱	*۱	۱	*۱	*۱	*۱	۱	*۱	۱
۶	برون گرایی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷	عدالت محوری	۱	۱	*۱	*۱	۱	*۱	*۱	*۱	۱
۸	خودکفایی	۱	*۱	*۱	۱	۱	۱	۱	۱	*۱
۹	مدیریت جهادی	۱	*۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	*۱
۱۰	شفافیت	*۱	*۱	*۱	۱	۰	۱	*۱	۰	*۱

در مرحله بعد باید متغیرها را برای رسم مدل سطح بندی نمود؛ یعنی باید متغیرهای خروجی و ورودی را برای هر متغیر مشخص نمود تا بتوان متغیرها را سطح بندی نمود.^۱ (آذر و همکاران، ۱۳۹۲)

با توجه به جدول بالا می توان متغیرها را به صورت زیر سطح بندی کرد:

جدول ۵- سطح بندی متغیرها

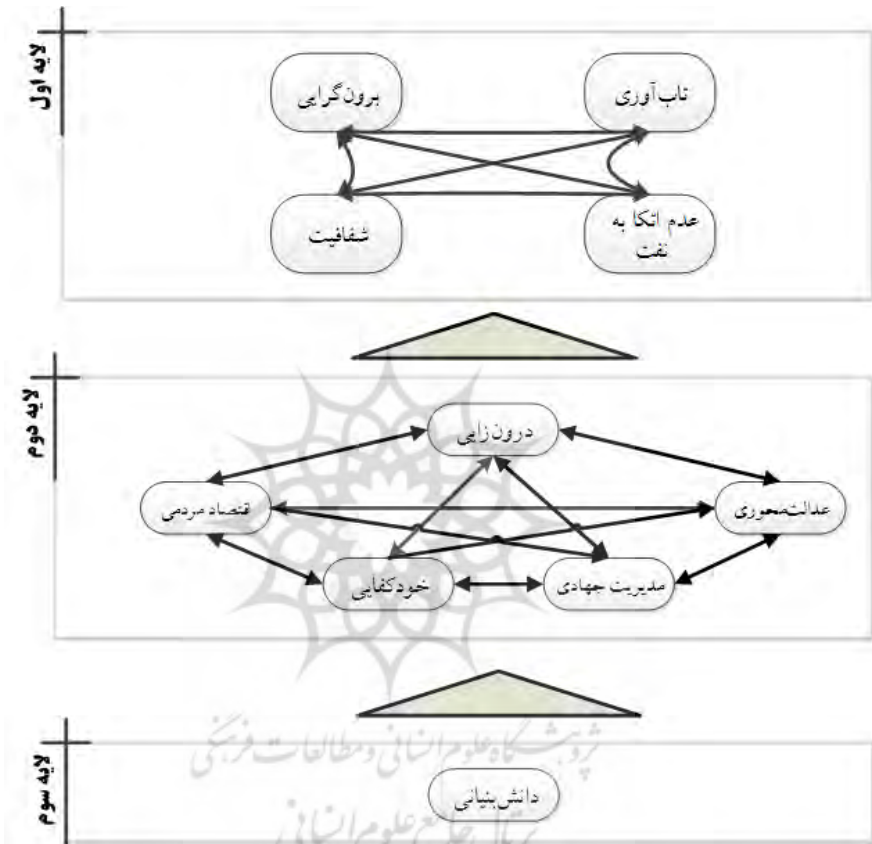
عنوان	پیش نیاز	دسترسی	اشتراک	سطح
۱	تاب آوری	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰	۱
۲	دانش بنیانی	۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲	۳
۳	درون زایی	۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۲
۴	عدم اتکا به نفت	۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۹، ۸	۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۹، ۸	۱
۵	مردمی	۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۲
۶	برون گرایی	-	۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲	۱
۷	عدالت محوری	۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۲
۸	خودکفایی	۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۲
۹	مدیریت جهادی	۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۰، ۹	۲

۱. متغیر ورودی: متغیرهایی هستند که از آن جزء نشئت گرفته اند. اعداد «۱» هر سطر نشان می دهد چه متغیرهایی از آن خارج شده اند. متغیر خروجی: متغیرهایی هستند که آن جزء از آن نشئت گرفته است. اعداد «۱» هر ستون نشان می دهد متغیر مورد نظر از چه متغیری خارج شده است.



۱۰	شفافیت	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۳، ۲، ۱	۸، ۷، ۵، ۳، ۲، ۱	۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹
----	--------	-------------------------	------------------	---------------------

اکنون با توجه به متغیرهای بالا و سطح‌بندی انجام‌شده می‌توان مدل ساختاری تفسیری مفاهیم اقتصاد مقاومتی را رسم نمود. همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، مجموعه متغیرها در سه سطح قرار گرفته‌اند:



همان‌طور که در الگو نیز مشاهده می‌شود دانش‌بنیانی در ریشه‌ای‌ترین لایه مدل قرار گرفته و پیش‌نیاز دیگر متغیرهای اقتصاد مقاومتی است.

۴-۱- تحلیل MICMAC

بر اساس تحلیل MICMAC می‌توان متغیرهای مدل ISM را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: (آذر و همکاران، ۱۳۹۲)

۱. متغیرهای خودمختار: این متغیرها نفوذ و وابستگی کمی دارند و تأثیر اندکی بر روابط و پویایی‌های سیستم دارند.
۲. متغیرهای وابسته: متغیرهایی که وابستگی زیادی دارند و نفوذ کمی دارند.



۳. متغیرهای مستقل: این گونه متغیرها قدرت نفوذ بالا و وابستگی کمی دارند و اصطلاحاً متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند.
۴. متغیرهای پیوندی: این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند. در واقع هرگونه عملی بر روی این متغیرها منجر به تغییر سایرین خواهد شد.
- با عنایت به تعاریف فوق متغیرهای دخیل در اقتصاد مقاومتی به صورت ذیل در جدول MICMAC جا می‌گیرند:

شکل ۱- جدول MICMAC

زیاد	۱۰						۲	۳،۵	۷،۸	۹ و	
	۹							۴			
	۸								۱		
	۷							۱۰			
نفوذ	۶				VI	III					
	۵				I	II					
	۴										
	۳										
	۲										
کم	۱						۶				
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
		کم					وابستگی				زیاد

همان‌طور که از نمودار فوق مشخص است، به جز متغیر ششم (برون‌گرایی) که جزو متغیرهای وابسته طبقه‌بندی شده است، مابقی متغیرها در دسته متغیرهای پیوندی قرار می‌گیرند که هم نفوذ و هم وابستگی زیادی دارند.

این امر نشان می‌دهد که به‌طور کلی متغیرهای اقتصاد مقاومتی یک کل به هم وابسته هستند که تغییر یا اجرای یکی از آن‌ها اثر بسیاری بر دیگر عوامل دارد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از انجام این پژوهش آن بود که با دید کل‌نگر و سیستمی و با احصای مجموعه مفاهیم طرح‌شده ذیل اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری، مدلی ساختاری را تدوین نماید که ارتباط میان این مفاهیم را مدل‌سازی نموده و در نتیجه مسیر پیاده‌سازی



این سیاست کلان را هموار نماید.

بدین منظور ابتدا بیانات معظم له مورد تحلیل مضمونی قرار گرفت و ۱۰ مضمون در شبکه مضمون‌های اقتصاد مقاومتی وارد گردیدند. سپس روابط میان این مضمون‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری مورد پژوهش قرار گرفت و در نهایت مدلی سه لایه‌ای به دست آمد که دانش‌بنیانی در ریشه‌ای‌ترین لایه قرار گرفت. با توجه به مدل ارائه‌شده و با استفاده از تحلیل MICMAC می‌توان نکات زیر را به‌عنوان نتایج مستخرج از پژوهش بیان کرد:

۱. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی دارای تقدم و تأخر هستند و بدون تحقق بخشی از آن‌ها، نمی‌توان انتظار تحقق مؤلفه‌های متأخر را داشت. بنا بر مدل مستخرج تا زمانی که دانش‌بنیانی در اقتصاد کشور نهادینه نگردد، انتظار نمی‌رود که مؤلفه‌هایی همچون شفافیت و یا عدم اتکا به نفت محقق گردد. همچنین لایه میانی اشعار بر آن دارد که دانش‌بنیانی به شرطی منجر به تحقق شفافیت، عدم اتکا به درآمدهای نفتی، افزایش تاب‌آوری اقتصاد و برون‌گرایی می‌شود که سیاست‌های اقتصادی متکی بر استفاده از ظرفیت‌های درونی (درون‌زایی)، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و همراه با ترویج عدالت و مدیریت جهادی باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد تا این سلسله‌مراتب در تدوین برنامه‌های اجرایی اقتصادی ملحوظ گردد.

۲. برون‌گرایی اقتصادی تنها به‌عنوان خروجی سیستم اقتصادی کشور شناخته‌شده است و نمی‌توان آن را یکی از عوامل تحقق رشد اقتصادی در کشور قلمداد کرد لذا تأکید بیش‌ازحد بر آن نمی‌تواند اثر مثبتی بر مقاومت‌سازی اقتصاد و تقویت امنیت اقتصادی کشور داشته باشد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود نقش این مؤلفه در سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌ها کمرنگ گردد؛ زیرا در صورت تحقق دیگر مؤلفه‌ها، این مؤلفه به‌عنوان نتیجه‌ای طبیعی حاصل می‌گردد.

۳. دانش‌بنیانی پیش‌زمینه تحقق دیگر عناصر اقتصاد مقاومتی است و در صورت تحقق آن می‌توان به اجرای دیگر اجزا نیز امید داشت. اقتصاد ملی با ابتناء بر دانش است که می‌تواند رشد کند و این مؤلفه باید در رأس دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی کشور باشد.

۴. اقتصاد بدون نفت، شفافیت و مقاومت‌سازی اقتصاد زمانی شکل خواهد گرفت که با تکیه بر اقتصاد دانش‌بنیان و با کمک مدیریت جهادی، از ظرفیت‌های مردمی استفاده درستی صورت گرفته و عدالت اقتصادی محقق شده باشد. لذا همین ترتیب باید در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد.



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقالات

۱. ابوالحسنی، اصغر و احمد بهاروندی (۱۳۹۲)؛ «اوراق دوسویه ارزی»، رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰، ۹۳-۱۰۴.
۲. امینی، امان‌الله (۱۳۶۵)؛ «صادرات غیرنفتی ایران، آزمونی دشوار»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۴-۱۷.
۳. بری، وندل (۱۳۸۷)؛ «پایان عصر کشاورزی صنعتی؛ آیا می‌توانیم آنچه را که ازدست‌داده‌ایم، دوباره به دست آوریم؟»، سیاحت غرب، شماره ۵۹، ۹۳-۱۰۱.
۴. آجیلی، هادی (۱۳۹۲)؛ «اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی»، علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، شماره ۲۴، ۸۷-۱۰۶.
۵. بولو، قاسم و مسعود رحمانی مهر (۱۳۹۲)؛ «هزینه حقوق صاحبان سهام و شفافیت سود»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵۹-۸۰.
۶. تراب زاده جهرمی، محمدصادق، سید علیرضا سجادیه و مصطفی (۱۳۹۲)؛ «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، ۳۱-۴۶.
۷. جعفری صمیمی، احمد و کبری آملی دیوا (۱۳۸۹)؛ «بررسی رابطه آزادسازی اقتصادی با کارایی دولت در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۹، ۱۵-۳۸.
۸. خلیلی عراقی، سیدمنصور و قهرمان عبدلی (۱۳۸۴)؛ «تابع تولید دانش و تعیین‌کننده‌های ملی ظرفیت آن در ایران». نامه مفید، شماره ۵۱، ۳-۱۶.
۹. دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۹۴)؛ «حسابداری مدیریت، ابزاری کارآمد در خدمت اقتصاد مقاومتی، حسابداری مدیریت»، شماره ۲۵، ۶۱-۸۲.
۱۰. سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۳)؛ «مدیریت جهادی؛ چالش‌ها و الزامات»، مدیریت اسلامی، شماره ۸، ۹-۳۹.
۱۱. سیف، اله مراد (۱۳۸۹)؛ «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، آفاق امنیت، شماره ۹، ۷-۳۶.
۱۲. سیف، اله مراد (۱۳۹۱)؛ «مقدمه‌ای بر نقشه‌راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال پنجم، شماره شانزدهم، ۵-۲۲.
۱۳. سیف، اله مراد (۱۳۹۲)؛ «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران».



- مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۱، ۸۹-۱۱۶.
۱۴. سیف، اله مراد و موسی خوش‌کلام خسروشاهی (۱۳۹۲)؛ «نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۵۴، ۱۸۱-۲۰۴.
 ۱۵. شیرازی رومنان، حسن و سید مجتبی علوی، س. (۱۳۸۹)؛ «تحلیل ماهیتی سند چشم‌انداز کشور از نگاه توسعه درون‌گرا»، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۴۱، ۷۵-۱۰۰.
 ۱۶. صادقی سقدل، حسین و یونس برومند (۱۳۹۱)؛ «تحلیل رابطه بین کارگر و کارفرما و دولت با استفاده از نظریه بازی‌ها»، تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۸، ۵۱-۶۸.
 ۱۷. صامتی، مرتضی، مرضیه و احمد گوگردچیان (۱۳۸۹)؛ «تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۷، ۹۵-۱۱۴.
 ۱۸. عباس‌آباد عربی، احسان، مرضیه بابائیان پور و رکسانا فکری (۱۳۹۳)؛ «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها، راهبرد»، تابستان ۱۳۹۳ - شماره ۷۱، ۹-۷۳.
 ۱۹. عباسی، محمدرضا (۱۳۷۹)؛ «اقتصاد تعاونی: ارزش‌ها و پیوستگی‌های آن با توسعه ملی»، تعاون، شماره ۱۱۴، ۶-۱۰.
 ۲۰. ۲۲. عباسی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ «ارزش‌های اقتصاد تعاونی و نقش آن در توسعه اقتصادی»، بانک و اقتصاد، شماره ۱۶، ۶۴-۷۰.
 ۲۱. کامفیروزی، محمدحسن، علی بنیادی نائینی و سیده موسوی لقمان (۱۳۹۲)؛ «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، اقتصاد اسلامی، شماره ۵۲، ۵۹-۸۸.
 ۲۲. محمدی، فرامرز (۱۳۷۳)؛ «چشم‌انداز تعاونی‌های اعتبار»، تعاون، شماره ۳۳، ۲۲-۲۳.
 ۲۳. مرادی، محمدعلی و مریم مهدی زاده (۱۳۸۴)؛ «تجارت خارجی و رشد اقتصادی ایران»، اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳، ۳۸-۷۲.
 ۲۴. مرتضوی، مهدی و فضل‌الله زارع پور نصیرآبادی (۱۳۹۱)؛ «فرهنگ سازمان جهادی: عامل کلیدی مدیریت جهادی»، مهندسی فرهنگی، شماره‌های ۷۱ و ۷۲، ۱۰۰-۱۱۴.
 ۲۵. معمار نژاد، عباس (۱۳۸۴)؛ «اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها»، اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱، ۸۳-۱۰۹.
 ۲۶. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱)؛ «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۴۹-۷۶.
 ۲۷. تقوی، مهدی و سینا نعمتی زاده (۱۳۸۳)؛ «اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۴، ۷۱-۹۶.



۲۸. نوری ساری، حجت اله (۱۳۹۲): «تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی»، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۱، ۱۵۱-۱۸۰.
۲۹. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۴): «بررسی نقش کارآفرینی در ایجاد فرصت‌های اقتصادی»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۸، ۲۳۷-۲۶۸.
۳۰. هزاوئی، سید مرتضی و علی زیرکی حیدری (۱۳۹۳): «اقتصاد مقاومتی: نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۷، ۹-۲۶.

کتاب‌ها

۱. آذر، عادل، فرهاد خسروانی و رضا جلالی. (۱۳۹۲). تحقیق در عملیات نرم، رویکردهای ساختاردهی مسئله، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۲. صدیقی فرخ شهری، محمد (۱۳۹۳): اقتصاد و فرهنگ، عزم ملی و مدیریت جهادی. فرخنده: آصف.

۶-۲- منابع لاتین

1. Bolanos, R., Fontela, E., Nenclares, A., & Pastor, P. (2005). **Using interpretive structural modelling in strategic decision-making groups**. *Management Decision*, 43(6), 877-895.
2. Briguglio, L., Cordina, G, Farrugia, N. (2008). **Economic vulnerability and resilience concepts and measurements**. *Economics Research (WIDER)*, 1-23.
3. Harris, R. G. (2001). **The knowledge-based economy: intellectual origins and new economic perspectives**. *International Journal of Management Reviews*, 21-40.
4. malone, D. (1975). **An Introduction to the application of interpretive structural modeling**. *IEEE*, 397-404.
5. Martin-Breen, P., Anderies, J. (2011). **Resilience: A Literature Review**. institute of development studies.
6. Siddiqui, j. (2016). **Adoption of It/IS in indian SMEs: An Interpretive Structural Modeling (ISM) analysis**. *international journal of computer science and innovation*.
7. Talebi, A., Yavarpour, H. Valian, H. (2014). **An Investigation into the Relationship between Income Distribution, Rate of Crude Oil Exports and Economic Growth Rate in the Iranian Economy with Regard to Globalization**. *Academic Journal of Accounting and Economics Researches*, 216-226.
8. Vishwanath, T., Kaufmann, D. (2001). **Toward Transparency: New Approaches and Their Application to Financial Markets**. *The World Bank Research Observer*, 41-57.



9. Xiang, C. (2004). **Spatial Difference of Economic Opening and Development Strategy of Outward-oriented Economy in Hunan Province.** Contemporary Finance and Economics.
10. Yili, O. (1994). **Study of Foreign Trade Corporation Execute Mighty Economy and Trade Tactics i the Field of International Trade.** JOURNAL OF WUHAN UNIVERSITY OF TECHNOLOGY,



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

